



Explaining the mechanisms of corporate governance with a social sustainability approach

Saeed Anwar Khatibi¹, Behzad Mahmoudi²

(Receipt: 2024.08.19- Acceptance: 2024.08.22)

Abstract

The main purpose of this research is to explain the mechanisms of corporate governance with a social sustainability approach in companies listed on the Tehran Stock Exchange. The corporate governance system in Iran is a relatively new issue that has received attention in recent years and measures have been taken to implement its various aspects in an inconsistent manner in the money and capital market of the country. The role of social sustainability in joint-stock and non-stock companies has been shown due to the economic situation in recent decades. With the move towards privatization, changes in competition patterns, production, company structure, technology development and also the introduction of global trade, the importance of social sustainability and the development of sustainability in economic enterprises has become more apparent in line with the above topics and the basic role of executive directors and The board of directors in the success of the companies, the above research has been done with the aim of explaining the mechanisms of corporate governance with social sustainability of the companies accepted in the Tehran Stock Exchange on 110 companies during the period of 2016 to 2022 and the final analysis using multivariable regression models and The help of Eviews econometric software has been done. The findings of the research indicate the rejection of the hypotheses and the absence of a significant relationship between social sustainability and corporate governance mechanisms.

KeyWords: social sustainability, corporate governance, corporate governance.

1-Assistant Professor, Department of Accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Responsible author), Email: Anvarkhatibi@iaut.ac.ir

2.Master's student, Department of Accounting, Islamic Azad University, Tabriz, Iran, Email: Behzadm1000@gmail.com



تبیین مکانیزم های حاکمیت شرکتی با رویکرد پایداری اجتماعی

سعید انور خطیبی^۱، بهزاد محمودی^۲

(دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹ - پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱)

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، تبیین مکانیزم های حاکمیت شرکتی با رویکرد پایداری اجتماعی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. نظام حاکمیتی شرکتی در ایران موضوع نسبتاً جدیدی می باشد که در سالهای اخیر مورد توجه قرار گرفته و اقداماتی در جهت اجرایی کردن ابعاد مختلف آن به صورت غیرمنسجم در بازار پول و سرمایه کشور صورت گرفته است. نقش پایداری اجتماعی در شرکتهای سهامی و غیر سهامی با توجه به وضعیت اقتصادی در دهه های اخیر نمایان شده است. با حرکت به سمت خصوصی سازی، تغییرات در الگوهای رقابت، تولید، ساختار شرکتهای، توسعه فناوری و نیز مطرح شدن تجارت جهانی، اهمیت پایداری اجتماعی و توسعه پایداری در بنگاههای اقتصادی بیشتر نمود پیدا کرده است در راستای مباحث فوق و نقش اساسی مدیران اجرایی و هیئت مدیره در موفقیت شرکتهای پژوهش فوق با هدف تبیین مکانیزم های حاکمیت شرکتی با پایداری اجتماعی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر روی ۱۱۰ شرکت طی دوره ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۱ صورت گرفته است و تجزیه و تحلیل نهایی با استفاده از الگوهای رگرسیونی چند متغیره و به کمک نرم افزار اقتصادسنجی Eviews انجام گرفته است. یافته های تحقیق حاکی از رد فرضیه ها و عدم وجود رابطه معنی دار بین پایداری اجتماعی، با مکانیزم های حاکمیت شرکتی مورد بررسی می باشد.

واژه های کلیدی: پایداری اجتماعی، حاکمیت شرکتی، راهبری شرکتی.

۱. استادیار، گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) Anvarkhatibi@iaut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران Behzadm1000@gmail.com

مقدمه

برقراری ارتباط با دیگران از نیازهای ذاتی و فطری انسان‌هاست و از آنجاکه انسان‌ها به لحاظ زبانی، قومی، نژادی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تفاوت‌هایی دارند. تنها راه برقراری ارتباط سالم و فارغ از ستیزه‌جویی، وجود مدارای اجتماعی بین آنهاست. همزیستی موضوعی است که همیشه و در طول تاریخ وجود داشته و انسان‌ها همواره در پی آن بوده‌اند که راه‌ها و شیوه‌های زندگی مسالمت‌آمیز را در کنار یکدیگر بیابند. در جوامع گذشته، تنوع فرهنگ‌ها، زبان و اقوام و همچنین دیگر عناصر زندگی اجتماعی کمتر بود و تحمل تفاوت‌ها و عقاید یکدیگر مسئله مهمی به حساب نمی‌آمد، اما با رشد و گسترش فزاینده ارتباطات در همه زمینه‌ها، از سویی تنوع فرهنگی، قومی، زبانی و اعتقادی بیشتر شده و از سوی دیگر، میزان تعاملات و برخورد افراد دوچندان شده است. بنابراین تحمل عقاید و آداب و فرهنگ گروه‌های دیگر اهمیت فراوانی می‌یابد. درواقع می‌توان گفت امروزه این تنوع تا حدی است که بدون.

طی سالهای اخیر مفهوم حاکمیت شرکتی به یکی از جنبه‌های اصلی و پویای تجارت تبدیل شده است و پیشرفتهای زیادی در مورد نحوه اعمال حق حاکمیت شرکتی در سطح جهانی مشاهده شده است. به عنوان مثال سازمان توسعه اقتصادی به عنوان سازمانی بین المللی، استانداردهای قابل قبول بین المللی را در این مورد مهیا می‌سازد (محمودی و نجفی، ۱۳۹۷). دستاورد قابل توجه تحقیقات و فعالیتها در زمینه حاکمیت شرکتی، تکامل قوانین جدید و مقررات حکومت میباشد، اما هنوز شکاف زیادی میان توسعه مقررات حاکمیت شرکتی جدید برای کشورهای توسعه نیافته وجود دارد که نیاز دارند که بزودی بتوانند به بهترین عملکرد بازار دست پیدا کنند. البته، جهان امروز به عنوان یک دهکده جهانی شناخته شده است ولی هیچکس نمیتواند مجموعه قوانین جدید حکومت را برای هر بخش از جهان اعمال کند. به علت تفاوت‌های فرهنگی، محیط مالی متفاوت، و چارچوب قانونی ناهمگن کشورها، موجب میگردد که اینگونه مقررات برای هر کشوری قابل استفاده نباشد. امروزه در شرکتهای بزرگ جهان هر کشور دارای مجموعه قوانین حاکمیت شرکتی مخصوص خود میباشد. روند تکامل قوانین حاکمیت شرکتی از کشورهای توسعه یافته شروع شده و به تدریج در کشورهای در حال توسعه نیز تصویب گردید (مالک و همکاران، ۲۰۱۴). این تحولات را میتوان جدایی بیش از پیش مدیریت از مالکیت، توسعه شرکتهای سهامی، افزایش رقابت و ریسک شرکتهای توسعه اقتصادی مبتنی بر دانش و سرمایه های فکری، تحول سریع در فناوری اطلاعات، توجه به توسعه پایدار و اهمیت یافتن مسئولیت اجتماعی و رعایت اخلاق سازمانی نام برد. در پی ارائه تئوری

نماینده‌گی، روابط نمایندگی به صورت گسترده ای موضوعات مختلف ادبیات مالی را تحت تاثیر قرار داد و به تدریج مخصوصا با پدیدار شدن رسوایی های مالی و ورشکستگی های شرکت ها و سوءاستفاده ها و فسادهای مالی که در اواخر قرن بیستم رخ داد بحث حاکمیت شرکتی توجه بیشتری را به خود معطوف نمود و لزوم توجه به نظارت و کنترل سهامداران بر مدیران بیشتر شد. در اهمیت حاکمیت شرکتی برای موفقیت شرکت ها و ایجاد رفاه اجتماعی شکی نیست این موضوع با توجه به رخدادهای اخیر اهمیت بیشتری یافته است. فروپاشی شرکت‌های بزرگ از قبیل انرون، ورلدکام و ... موجب تاکید بیشتری بر ضرورت اصلاح و ارتقاء حاکمیت شرکتی در سطح بین الملل گردیده است. (رضائی پسته نوئی و همکاران، ۱۳۹۷). بررسی علل و شرایط ایجاد این رسوایی ها مشخص کرده است که در موارد فقدان نظارت بر مدیریت، حاکمیت ناقص سهامداران شرکت ها بر نحوه اداره امور و سپردن اختیارات نامحدود به مدیران اجرایی زمینه مساعدی را برای سوء استفاده آنان فراهم کرده است. جلوگیری از بروز چنین شرایطی مستلزم اعمال حاکمیت صحیح سهامداران از طریق نظارت دقیق بر مدیریت اجرایی و حسابرسی منظم شرکت هاست که در مجموع تحت عنوان فرآیند حاکمیت شرکتی شناخته می شود. حاکمیت شرکتی به مجموعه روابط میان مدیریت اجرایی، هیات مدیره، سهامداران و سایر طرف های مربوط در یک شرکت می پردازد و در مرحله اول چهار موضوع اساسی را مد نظر قرار می دهد: بی طرفی، شفافیت، مسئولیت، حسابدهی و یا پاسخگویی. در واقع مدیریت تمامی مسئولیت ها را در شرکت به عهده دارند و در این میان، بالاترین مقام اجرایی (مدیر عامل) نقش با اهمیتی دارد. مدیرعامل وظیفه هدایت منابع را بر عهده دارد به طوری که منافع سهامداران به حداکثر ممکن برسد (بادآور نهندی و احمدلو، ۱۳۹۴). بر همین اساس هدف پژوهش حاضر بررسی مکانیزم های حاکمیت شرکتی با پایداری اجتماعی در راستای تکمیل شکاف تحقیقاتی پیرامون پژوهش های انجام گرفته میباشد.

مبانی نظری پژوهش

حاکمیت شرکتی

در سالیان اخیر در دنیا پیشرفتهای بسیاری در زمینه موضوع حاکمیت شرکتی صورت گرفته است و کشورهای پیشرو در این زمینه، همچنان به تقویت نظام حاکمیت شرکتی خود ادامه میدهند و در این جهت به مشارکت کنندگان در حاکمیت شرکتی و موضوعاتی همچون سهامداران و روابط آنها، کمیته های هیئت مدیره، بهبود عملکرد هیئت مدیره، مسئولیت پاسخگویی، حسابرسان و نظامهای حسابداری و کنترل خارجی، توجه ویژه ای مبذول میدارند (علینژاد ساروکلائی و سالاری

ساردویی، ۱۳۹۸). با رشد اقتصادی و بزرگ شدن واحدهای تجاری، قدرت کنترل سهامداران در عمل کاهش یافته است، زیرا پراکندگی ساختار مالکیت افزایش یافته است و اکثر مالکان را سهامداران جزء تشکیل می دهند. در چنین حالتی تنها تعداد اندکی از سهامداران این امکان را می یابند تا در انتخاب اعضای هیات مدیره و همچنین مدیر عامل نقشی را ایفا نمایند. این مشکل زمانی حادتر خواهد شد که انگیزه بیشتر سهامداران، سرمایه گذاری در شرکت برای کسب سود (دیدگاه کوتاه مدت) باشد تا اینکه کنترل شرکت (دیدگاه بلند مدت) را بدست گیرند. آنگاه تنها سد دفاعی سرمایه گذاران در مقابل مشکلات نمایندگی، ایجاد تنوع در پرتفویهای سرمایه گذاری خواهد بود یا اینکه در نهایت پس از زیانهای غیرقابل جبران، سرمایه گذاری در آن شرکت را به فروش رسانند. در چنین نظامی، راهبری شرکت ها به صورت کنترل نشده در اختیار مدیریت می باشد در واقع مدیران شرکت همه مسئولیت ها را به عهده دارند و در این میان، نقش بالاترین مقام اجرایی (مدیر عامل) برجسته تر است. مدیرعامل وظیفه هدایت منابع را بر عهده دارد به نحوی که منافع سهامداران به حداکثر ممکن برسد. بدلیل فقدان معیارهای کنترلی لازم در اثر مشکلات مذکور و واگذاری اختیار برقراری این معیارها به مدیران، اختیارات مدیرعامل و قدرت نفوذ وی بسیار زیاد شده است. در واقع هیات مدیره ای که سهامداران انتخاب می کنند، در بیشتر موارد از میان کسانی است که مدیر عامل آنان را به سهامداران معرفی می کند. نظام رهبری شرکتی شیوه ای برای هدایت و اداره فعالیت های شرکت توسط هیات مدیره و مدیریت ارشد می باشد (بادآور نهندی و احمدلو، ۱۳۹۴). نظام راهبری شرکتی عبارت است از فرایند نظارت و کنترل برای تضمین عملکرد مدیریت شرکت مطابق با منافع سهامداران. همچنین، مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت به عنوان تعهد یک سازمان نسبت به قالب جامعه درک میشود؛ اما مسیر و جهت آتی آنها را تصمیمهایی تعیین میکنند که مدیران در شرکتها میگیرند (محمدی و همکاران، ۱۴۰۰). چارچوب های نظری متفاوتی برای توضیح و تحلیل اصول حاکمیتی شرکت مطرح شده است. هر یک از آنها با استفاده از واژگان گوناگون و به صورتی متفاوت به موضوع حاکمیت شرکتی پرداخته اند که ناشی از زمینه علمی خاصی است که به موضوع حاکمیت شرکتی می نگرند. به عنوان نمونه، نظریه نمایندگی، ناشی از زمینه مالی و اقتصادی و نظریه هزینه معاملات، ناشی از اقتصاد عمومی و نظریه سازمانی است و نظریه ذینفعان، ناشی از دیدگاه اجتماعی در مورد موضوع حاکمیت شرکتی می باشد. گرچه تفاوت های چشمگیری بین چارچوب های نظری مختلف حاکمیت شرکتی وجود دارد، اما دارای وجوه مشترک مشخصی هستند. در یک نگاه کلی، حاکمیت شرکتی عبارت از قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگها و سیستم هایی است که موجب دستیابی به هدفهای پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می شود. مکانیزم

های حاکمیت شرکتی و رعایت هنجارها، عمدتاً منجر به کاهش میزان قصد و نیت بدخواهانه مدیریت می شوند و بالاخره پذیرش خطا و تقصیر هم موجب کاهش میزان تحریف صورت های مالی و هم موجب کاهش میزان قصد و نیت بدخواهانه مدیریت خواهد شد. یکی از عوامل اصلی بهبود کارایی اقتصادی، حاکمیت شرکتی است که دربرگیرنده مجموعه ای از روابط میان مدیریت شرکت، هیات مدیره، سهامداران و سایر گروه های ذینفع است. حاکمیت شرکتی ساختاری را فراهم می کند که از طریق آن هدف های بنگاه تنظیم و وسایل دستیابی به هدفها و نظارت بر عملکرد تعیین می شود. همچنین، انگیزه لازم برای تحقق هدف های بنگاه را در مدیریت ایجاد کرده و زمینه نظارت موثر را فراهم می کند. به این ترتیب، شرکت ها منابع را با اثر بخشی بیشتری به کار می گیرند. (بادآور نهندی و احمدلو، ۱۳۹۴). مبانی تئوریک نشان میدهد نگرش و ادراک مدیران بر نحوه تصمیم گیری آنها تأثیرگذار است همه مدیران، به حکم آنکه مدیرند، با یک روش عمل نمیکند و مانند سایر افراد جامعه تفاوت های فردی گوناگونی دارند و از دانش، ادراک و نظام ارزشی متفاوتی برخوردارند. این تفاوتها به ظاهر امکان دارد جزئی به نظر برسند، اما هنگامی که از فرایندهای واسطه شناختی افراد عبور میکنند، به تفاوت های بسیار بزرگ و نتایج رفتاری کاملاً متفاوت میانجامند. چنین تفاوت هایی عمدتاً از تفاوت های ناشی از نگرش هریک از افراد سرچشمه میگیرد که به صورت اختلالات رفتاری خود را نشان میدهند. تحقیقات تجربی در چارچوب ادبیات مالی رفتاری نیز نشان میدهد عوامل احساسی و خطای شناختی مانند سوگیریهای رفتاری نقش محوری در فرایند تصمیمگیری دارند (محمدی و همکاران، ۱۴۰۰).

پایداری اجتماعی

پایداری اجتماعی یکی از مفاهیم مرتبط با توسعه پایدار است که از دهه ۱۹۶۰ به بعد در برنامه های توسعه کشورهای مختلف وارد شد اما به دلیل عدم اجماع بر سر مولفه ها و جایگاه آن در میان سایر اجزاء توسعه پایدار در عمل به گونه های بسیار متفاوتی با آن برخورد شده است. پایداری اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ و نگهداری ابزارهای ضروری ایجاد ثروت و رفاه و مشارکت اجتماعی برای گسترش یکپارچگی و انسجام از سوی دیگر اشاره می کند و به عنوان یک مفهوم، به دنبال حفظ و ثبات مولفه های اجتماعی و فرهنگی جامعه هم پیوند با ابعاد زیست محیطی و اقتصادی است. در فرایند توسعه پایدار، نقش پایداری اجتماعی در تحقق اهداف بسیار حایز اهمیت است. از اینرو در اهداف راهبردی توسعه پایدار مضامینی چون توانمندسازی، افزایش قدرت و آزادی انتخاب، توسعه و گسترش مشارکت، ارتقاء کیفیت زندگی، ظرفیت سازی نهادی، امنیت اجتماعی،

مسئولیت پذیری و رفاه اجتماعی به شکلی گسترده مورد تاکید قرار گرفته است؛ بدین ترتیب ابعاد اجتماعی در تعامل با سایر ابعاد اقتصادی و اکولوژیکی، توسعه پایدار را قوام بخشیده و کلیت موزون آن را شکل می دهد (پورمحمد و محمودی؛ ۱۳۹۵). پایداری مفهومی است که به دنبال خود مفهوم مکملی به نام "توسعه پایدار" را مطرح می کند و در برخی موارد به جای یکدیگر به کار می روند (وینگرتر، ۲۰۱۴) مفهوم توسعه پایدار و ظهور آن در قالب فرآیند و عمل، مباحث زیادی را ایجاد کرده که تاکنون نیز ادامه داشته است (جنکینز، ۲۰۱۳). تعریف عام توسعه اشاره به تلفیق سه محور حفاظت محیط زیست، پیشرفت اجتماعی و رفاه اقتصادی برای رسیدن به دستاوردهای توسعه پایدار اشاره دارد (کلانتری و عبدالله زاده، ۱۳۹۱) مباحث امروزی پایداری، به نوعی نسخه های مدرن دغدغه های کهن و دیرین مربوط به چگونگی حفظ جوامع انسانی در درون بستر اکوسیستم های طبیعی هستند (ویلر، ۲۰۱۳). بیشتر طرفداران پایداری در هنگام روبرو شدن با تعریف مفهوم یا مفاهیم توسعه پایدار، به علت کثرت تعاریف آن، درمانده می شوند و به تعریف سند برانتلند پناه می برند. در تعریف پایداری طبق سند برانتلند آمده است که: توسعه ای که نیازهای نسل حاضر را بدون آسیب زدن به توانایی نسل های آینده برای برآوردن نیازهای خود برآورده می سازند. ترجیح بر استفاده از یک تعریف نسبتاً ساده فرآیند محور است که بر رفاه بلند مدت تأکید کند (جمعه پور، ۱۳۹۲). در تعریف اولیه گزارش برانتلند دو اصل در توسعه پایدار قابل شناسایی هستند: اصل برابری درون نسلی و اصل برابری برون نسلی در تأمین نیازها. در ادیاتی که بعد از این گزارش ایجاد گردید، این اصول بسط یافته و شامل: برابری بین نسل ها، برابری درون نسل ها (شامل برابری اجتماعی، جغرافیایی و برابری در حکومت)؛ حفاظت از محیط طبیعی (و زندگی در چارچوب ظرفیت تحمل آن)؛ استفاده حداقل از منابع غیرقابل تجدید، بقای اقتصادی و تنوع، جامعه خوداتکا، رفاه فردی و رفع نیازهای اساسی افراد جامعه شده است (مکلارن، ۱۹۹۶).

از ابتدای قرن بیست و یکم، نگاه توسعه پایدار صرفاً توجه به ابعاد زیست - محیطی و یا اقتصادی نیست، بلکه مباحث اجتماعی در پیچه جدیدی را در رسیدن به توسعه پایدار برای ما گشوده است. پایداری اجتماعی به عنوان یک جزء اساسی از توسعه پایدار مورد توجه ویژه سیاستمداران و برنامه ریزان قرار گرفته است. با تعیین ابعاد پایداری اجتماعی می توان رویه های موثر بر مباحث اجتماعی را بررسی و شناسایی کرد به عبارت دیگر ابعاد پایداری اجتماعی می تواند به عنوان یکی از مهمترین و کلیدی ترین ابزار در برنامه ریزی ها و سیاستگذاری ها مورد استفاده قرار گیرد. از طرفی گستردگی، پیچیدگی و تنوع شاخص های پایداری اجتماعی و نقش آنها بر جامعه ایجاب می کند تا این شاخص ها بر حسب نقش و عملکردشان مورد توجه قرار گیرند که مشخصاً هر یک دارای ارزش

متفاوتی از یکدیگر هستند. طبق تحقیقات انجام شده عدالت اجتماعی و امنیت و تعامل اجتماعی به ترتیب بیشترین وزن و در نتیجه بیشترین تاثیر را در بین شاخص های پایداری اجتماعی داشته است. (زال، ۱۳۸۶) بیان میکند بر اساس دیدگاه های جامعه شناسان، بازیگران اصلی در فرایند توسعه انسان ها هستند که الگوهای سازمان اجتماعی آنها به منظور تعیین راه حل ها و تدابیر مناسب در جهت دستیابی به توسعه پایدار نقش عمده ای را ایفا می کند. در واقع، تجربه نشان می دهد که بی توجهی به عوامل اجتماعی در خلال فرایند توسعه، اثر بخشی برنامه ها و پروژه های گوناگون توسعه ای را با مخاطره جدی مواجه می سازد (نسترن و همکاران، ۱۳۹۲) هدف پایداری اجتماعی محافظت از سرمایه های اجتماعی با سرمایه گذاری و ارایه خدماتی است که در جهت آن است؛ به این معنی که نسل های آینده را محافظت می کند و به ما می فهماند که آنچه ما امروز انجام می دهیم بر افراد دیگر، چه امروز و چه فردا، اثر می گذارد. پایداری اجتماعی بر حفظ و بهبود کیفیت اجتماع با مفهوم همبستگی، عمل متقابل، صداقت و اهمیت ارتباطات سازنده متمرکز است.

پیشینه پژوهش های تجربی

با توجه به نو بودن موضوع در سطح تحقیقات داخلی در این بخش بیشتر توجه به پژوهش های خارجی معطوف گشته است. مانگانتار (۲۰۱۹)، در مطالعه ای تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت و حاکمیت شرکت بر عملکرد مالی را بررسی کرد. نتایج مطالعه نشان می دهد که مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر معنی داری بر عملکرد مالی ندارد، همانطور که با بازده دارایی ها اندازه گیری می شود. حاکمیت شرکت تأثیر معنی داری بر عملکرد مالی ندارد. یافته دیگر این است که مسئولیت اجتماعی و حاکمیت با عملکرد مالی جهت مثبت دارند. حیدری کرد زنگنه و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله ای به بررسی مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته های تحقیق نشان داد شرکت هایی که مسئولیت اجتماعی بهتری از نظر هر یک از شاخص های شفافیت سازمانی، پایداری اقتصادی اجتماعی، مسئولیت بشر دوستانه و حاکمیت شرکتی خوب دارند، به سوددهی بالاتری می رسند. همچنین نتایج نشان داد سودآوری شرکتها از نظر بازده دارایی، منجر به افزایش سطح مسئولیت اجتماعی آنها نیز میشود. (جلیلی و مهاجری، ۱۴۰۱). اگرآوال (۲۰۰۵) در تحقیق شان تحت عنوان حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشات مالی شرکت به این نتیجه می رسند که در شرکتهایی که کمیته حسابرسی و یا هیات مدیره شامل یک مدیر مستقل با تخصص مالی می باشند، احتمال گزارش مجدد پایین می آید. اما تحقیق آنها نشان می دهد که رابطه ای میان احتمال گزارش مجدد و استقلال کمیته حسابرسی یا هیات مدیره وجود

ندارد. رامسی و مدر (۲۰۰۵) در تحقیق خود یک رابطه غیرخطی بین درصد مالکیت اعضای هیات مدیره و کیفیت سود و یک رابطه مثبت بین نسبت مدیران مستقل و کیفیت سود یافتند. همچنین دریافتند که بین تعداد اعضای هیات مدیره و سطح کیفیت سود رابطه ای وجود ندارد. لیو و لو (۲۰۰۷) در پژوهش خود از متغیرهای درصد سهام در دست مدیران ارشد اجرایی، میزان استقلال هیات مدیره، محیط قانونی، تاثیر پیشینه، شرایط و وضعیت نهادی حاکمیت شرکتی برای اندازه گیری رابطه بین مدیریت سود و حاکمیت شرکتی استفاده کردند نتایج پژوهش آنها نشان داد درجه مدیریت سود به میزان با اهمیتی با معیارهای اندازه گیری حاکمیت شرکتی مرتبط است. مشایخی (۲۰۰۷) رابطه بین سه ویژگی حاکمیت شرکتی (اندازه هیات مدیره، دوگانگی وظیفه مدیر عامل، نمایندگان سهامداران نهادی در هیات مدیره) و مدیریت سود را بررسی نمود و نتایج تحقیق او حاکی از این است که اندازه هیات مدیره دو گانگی وظیفه مدیرعامل نمایندگان سهامداران نهادی در هیات مدیره با مدیریت سود رابطه معنی داری دارند. کریمی و اشرفی (۱۳۹۰) به بررسی ارتباط سازوکارهای نظام راهبری شرکت و ساختار سرمایه در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند که نتایج به دست آمده نشان دهنده وجود رابطه ای مثبت و معنادار میان مالکیت نهادی به عنوان یکی از مکانیزم های بیرونی نظام راهبری شرکت و ساختار سرمایه است، ولی میان درصد اعضای غیر موظف هیأت مدیره و همچنین تفکیک مدیر عامل از اعضای هیأت مدیره با ساختار سرمایه رابطه معناداری مشاهده نگردید. (بادآور نهندي و احمدلو، ۱۳۹۴).

فرضیه های پژوهش

همان طور که بیان شد با وجود پژوهش های متعددی که در زمینه مکانیزم های حاکمیت شرکتی انجام شده، تا کنون مطالعه ای در مورد رابطه بین این مفهوم و پایداری اجتماعی صورت نگرفته است. بر این اساس، این نوشتار به بررسی ارتباط بین مکانیزم های حاکمیت شرکتی و پایداری اجتماعی پرداخته است برای تحقق هدف، فرضیه های این پژوهش با توجه به مبانی نظری مطرح شده، به صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه اصلی: بین مکانیزم های حاکمیت شرکتی با پایداری اجتماعی ارتباط وجود دارد.

فرضیه های فرعی: فرضیه های فرعی به تبعیت از فرضیه اصلی به صورت زیر تبیین می شود.

فرضیه ۱: بین میزان مالکیت سرمایه گذاران نهادی و پایداری اجتماعی ارتباط وجود دارد.

فرضیه ۲: بین میزان مالکیت دولتی و پایداری اجتماعی ارتباط وجود دارد.

فرضیه ۳: بین میزان استقلال هیأت مدیره و پایداری اجتماعی ارتباط وجود دارد.

فرضیه ۴: بین مرجع حسابرسی و پایداری اجتماعی ارتباط وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ طرح پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی میباشد که شامل ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ هجری شمسی فعال می باشد. همچنین اطلاعات مربوط به پیشینه پژوهش و مبانی نظری، از منابع کتابخانه ای، پایگاه های علمی و مقاله های داخلی و خارجی استخراج شده است. نمونه های انتخاب شده در این پژوهش با رعایت معیارهای زیر انتخاب می گردد:

- (۱) به منظور افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات، پایان سال مالی شرکتها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
- (۲) در سالهای مورد مطالعه، به منظور یکنواختی جامعه آماری، تغییر سال مالی نداده باشند.
- (۳) اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش در دسترس باشد.
- (۴) جزء شرکتهای سرمایه گذاری، واسطه گریهای مالی، هلدینگ، بانک، بیمه و لیزینگ نباشند. زیرا افزایش مالی در آنها متفاوت است.
- (۵) محدودیتی در استخراج دادهای مورد نیاز پژوهش وجود نداشته باشد.

در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات از صورتهای مالی سالانه شرکتها، بانکهای اطلاعاتی از قبیل نرم افزار رهاورد نوین، سایتهای codal، tsetmc و دیگر سایتهای معتبر استفاده شد. داده های جمع آوری شده از طریق نرم افزار Excel طبقه بندی شده سپس تجزیه و تحلیل نهایی نیز با استفاده از الگوهای رگرسیونی چند متغیره و به کمک نرم افزار اقتصاد سنجی Eviews انجام گرفته است.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

پایداری اجتماعی

برای تعیین شاخص های سنجش توسعه پایدار معمولاً با طیف گسترده ای از این شاخص ها مواجه هستیم که هر کدام به نوعی دارای نقاط قوت و ضعف خاص خود هستند و نقایصی در تعریف مفاهیم و شاخص های مرتبط با آن وجود دارد (ایزبرگ، ۲۰۱۷) همچنین اغلب رویکردهای مورد

استفاده در سنجش پایداری اجتماعی رویکردهای بالا به پایین هستند که منافع عمومی و رویکردهای پایین به بالا را در نظر نمی گیرند. در این بین کمیسیون توسعه پایدار ملل متحد چارچوبی را که شامل شاخص های پایداری برای ارزیابی پیشرفت به سوی توسعه پایدار می باشد ایجاد کرده است. این چارچوب سلسله مراتبی از شاخص ها را گروه بندی می کند، که در این میان چهار وجه را برای توسعه پایدار تعیین کرده است که عبارتند از: محیطی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی (جمعه پور، ۱۳۹۲) شرلوک نیز سه حوزه اصلی را که می بایست شاخص های اصلی توسعه پایدار در آن حوزه ها تعیین گردند را بیان می کند که عبارتند از: اقتصادی (ایجاد رفاه، بازار و صنعت)، اجتماعی (رفاه انسانی، جامعه، آموزش، برابری و سرمایه اجتماعی) و محیط زیستی (کنترل آلودگی، کاربرد بهینه منابع، حفاظت گونه ها) (شیخی و همکاران، ۱۳۹۷)

متغیر مستقل

میزان مالکیت سرمایه گذاران نهادی، میزان مالکیت دولتی، استقلال اعضای هیات مدیره، مرجع حسابرسی.

سهامداران نهادی (inst) : منظور از سهامداران نهادی سهامداران حقوقی می باشند که واسطه بین افراد و شرکتها بوده و از طرف افراد اقدام به تهیه پرتفوی سهام می نمایند. که از طریق درصد کل سهام تملک شده به وسیله سهامداران نهادی به کل سهام سرمایه محاسبه می شود.

مالکیت دولتی (Gov) : متغیر مذکور بصورت یک متغیر دو وجهی تعریف می شود بدین صورت که اگر بیش از ۵۰ درصد سهام شرکت، متعلق به یک شخص حقوقی و یا حقیقی باشد، در آن شرکت مالکیت کنترلی وجود داشته و امتیاز یک مبنای محاسبات خواهد بود، در غیر این صورت امتیاز صفر در نظر گرفته خواهد شد.

استقلال اعضای هیئت مدیره (BI) : در پژوهش حاضر از نسبت مدیران غیر مؤلف هیئت مدیره به کل اعضاء برای سنجش میزان استقلال اعضای هیئت مدیره استفاده شده است. عضو غیرمؤلف هیئت مدیره، عضوی است که فاقد مسئولیت اجرایی در شرکت می باشد.

مرجع حسابرسی (auditor) : هرگاه حسابرسی شرکت توسط سازمان حسابرسی انجام گرفته باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر در نظر گرفته میشود.

متغیرهای کنترل

اندازه شرکت، اهرم مالی، ریسک سیستماتیک، بازده دارایی ها، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری.

متغیر اندازه شرکت و اهرم مالی به این دلیل در این پژوهش استفاده شده است، که شرکت های بزرگتر و با اهرم مالی وسیع بر اساس تئوری ذینفعان، انتظار می رود که شفافیت و پاسخگویی بهتری نسبت به شرکتهای کوچکتر داشته باشند.

آزمون فرضیه ۱ تا ۴ پژوهش:

برای آزمون فرضیه های فرعی ۱ تا ۴ از مدل رگرسیون چند متغیره معمولی استفاده شده است.

$$\text{social stability} = \beta_0 + \beta_1 \text{Instt} + \beta_2 \text{Sizet} + \beta_3 \text{ROAt} + \beta_4 \text{LEVt} + \beta_5 \text{Betat} + \beta_6 \text{Mv/Bvt} + \varepsilon$$

$$\text{social stability} = \beta_0 + \beta_1 \text{Govt} + \beta_2 \text{Sizet} + \beta_3 \text{ROAt} + \beta_4 \text{LEVt} + \beta_5 \text{Betat} + \beta_6 \text{Mv/Bvt} + \varepsilon$$

$$\text{social stability} = \beta_0 + \beta_1 \text{BI} + \beta_2 \text{Sizet} + \beta_3 \text{ROAt} + \beta_4 \text{LEVt} + \beta_5 \text{Betat} + \beta_6 \text{Mv/Bvt} + \varepsilon$$

$$\text{social stability} = \beta_0 + \beta_1 \text{auditor} + \beta_2 \text{Sizet} + \beta_3 \text{ROAt} + \beta_4 \text{LEVt} + \beta_5 \text{Betat} + \beta_6 \text{Mv/Bvt} + \varepsilon$$

که در این مدل:

social stability: پایداری اجتماعی

: مالکیت سهامداران نهادی

Gov: مالکیت دولتی

BI: استقلال اعضای هیئت مدیره

Auditor: مرجع حسابرسی

: اندازه شرکت

: بازده داراییها

: اهرم مالی

: ریسک سیستماتیک

Mv/: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری

یافته های پژوهش

آمار توصیفی: در پژوهش فوق آماره های توصیفی برای متغیرهای مدل‌های رگرسیون ارائه می شوند. شاخصهای توصیفی داده ها، شامل شاخصهای شکل توزیع، شاخصهای مرکزی و شاخصهای پراکندگی میباشند که برای هر یک از متغیرهای پژوهش محاسبه میشوند.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	کوچکترین	بزرگترین	میانگین	انحراف معیار
پایداری اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۷۰۲۳	۰/۰۳۵	۰/۰۲۵
مالکیت سرمایه گذاران نهادی	۰/۰۵۱	۰/۹۶۳	۰/۷۱۸	۰/۱۸۷
مالکیت سرمایه گذاران دولتی	۰/۰۰۰	۰/۸۶۸	۰/۳۳۹	۰/۲۶۲
استقلال اعضای هیئت مدیره	۰/۰۰۰	۱	۰/۶۲۱	۰/۱۹۶
سهام شناور آزاد	۰/۰۴۸	۰/۵۹۰	۰/۳۳۰	۰/۱۱۷
میزان تمرکز مالکیت	۰/۰۱۳	۰/۸۸۶	۰/۳۰۷	۰/۱۹۲
اندازه شرکت	۴/۶۸۰	۷/۸۰۳	۵/۷۹۰	۰/۵۵۰
بازده ارایه ها	-۰/۲۳۷	۰/۶۲۰	۰/۱۱۷	۰/۱۲۳
اهرم مالی	۰/۰۳۸	۰/۹۷۰	۰/۵۸۹	۰/۱۷۵
ریسک سیستماتیک	-۳/۳۳۰	۳/۷۶۱	۰/۳۲۰	۰/۹۱۳
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۲۱۹	۴/۴۵۹	۱/۵۰۳	۱/۰۳۱

کمترین میزان پایداری اجتماعی برابر با (۰,۰۰۰) و بیشترین آن برابر با (۰,۷۰۲۳) می باشد و به صورت میانگین برابر با (۰,۰۳۵) می باشد. کمترین میزان مالکیت سرمایه گذاران نهادی برابر با (۰,۰۵۱) و بیشترین مقدار این متغیر برابر با (۰,۹۶۳) می باشد. به صورت میانگین مالکیت سرمایه گذاران دولتی و سهام شناور آزاد به ترتیب برابر با (۰,۲۶۲) و (۰,۱۱۷) می باشد. به صورت میانگین شرکت ها دارای (۰,۶۲۱) هیئت مدیره مستقل هستند. کمترین میزان تمرکز مالکیت برابر با (۰,۰۱۳) و بیشترین آن برابر با (۰,۸۸۶) می باشد. کمترین مقدار بازده دارایی ها برابر با (-۰,۲۳۷) و بیشترین آن برابر با (۰,۶۲۰) می باشد. کمترین مقدار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (۰,۲۱۹) و بیشترین مقدار آن برابر با (۴,۴۵۹) می باشد. همچنین در سطح اطمینان ۹۹٪ بین بازده دارایی ها و پایداری اجتماعی رابطه منفی و معنی دار وجود دارد. در سطح اطمینان ۹۹٪ بین اهرم مالی و پایداری اجتماعی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. در سطح اطمینان ۹۹٪ بین ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش:

جدول ۲- نتایج برآورد فرضیه اول

نام متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	-۰/۰۰۱۴۲	-۰/۲۱۹	۰/۷۸۵
مالکیت سرمایه گذاران نهادی	-۰/۰۰۱۲۷	-۰/۴۱۳	۰/۶۲۳
اندازه شرکت	۰/۰۰۱۵۲	۱/۲۱۷	۰/۲۰۲
بازده دارایی ها	۰/۹۶۱۴۵	۸۶/۵۱۷	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۱۷۲۵	-۱/۸۲۱	۰/۰۵۸
ریسک سیستماتیک	۰/۰۰۰۱۷	۰/۳۱۶	۰/۷۲۷
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۰۰۱۲۲	۱/۱۶۵۴	۰/۰۶۱
ضریب تعیین	۰/۳۸۲	دوربین واتسون	۱/۱۶۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۴۰	آماره F فیشر (احتمال)	(۰/۰۰۰)۵۶/۴۰۲

با توجه به جدول ۲ میزان ضریب تعیین مدل برابر با (۰,۳۸۲) می باشد که نشان می دهد ۳۸ درصد تغییرات متغیر پایداری اجتماعی توسط متغیر مالکیت نهادی و سایر متغیرهای کنترلی قابل توضیح است. نتایج جدول نشان می دهد که بین میزان مالکیت سرمایه گذاران نهادی و پایداری اجتماعی با ضریب (-۰,۰۰۱) و معنی داری (۰,۶۲۳) ارتباط وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش:

جدول ۳- نتایج برآورد فرضیه دوم

نام متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	-۰/۰۰۱۴۵۲	-۰/۲۳۵۶۸۵	۰/۸۲۴۵
مالکیت سرمایه گذاران دولتی	۰/۰۰۴۲۰۳	۰/۰۰۵۲۳۰	۰/۸۳۱۵
اندازه شرکت	۰/۰۰۱۵۶۳	۱/۰۹۸۴۲۵	۰/۲۶۵۴
بازده دارایی ها	۰/۹۶۰۵۴۰	۸۸/۳۵۶۲	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۱۷۵۲۶	-۲/۰۰۲۶۵۰	۰/۰۴۲۵
ریسک سیستماتیک	۰/۰۰۰۲۱۰	۰/۳۳۲۲۵۱	۰/۷۴۲۶
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۰۰۱۲۲۳	۱/۷۵۴۵۹۲	۰/۰۷۸۰
ضریب تعیین	۰/۷۰۸	دوربین واتسون	۱/۷۵۲
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۱۰	آماره F فیشر (احتمال)	(۰/۰۰۰)۳۴/۰۳۷

با توجه به جدول ۳ میزان ضریب تعیین مدل برابر با (۰,۷۰۸) می باشد که نشان می دهد ۷۰ درصد تغییرات متغیر پایداری اجتماعی توسط متغیر مالکیت سرمایه گذاران دولتی و سایر متغیرهای کنترلی قابل توضیح است. نتایج جدول نشان می دهد که بین میزان مالکیت سرمایه گذاران دولتی و پایداری اجتماعی با ضریب (۰,۰۰۴) و معنی داری (۰,۸۳۱) ارتباط وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش:

جدول ۴- نتایج برآورد فرضیه سوم

نام متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	-۰/۰۰۲۰۵۶	-۰/۳۰۳۶۵۴	۰/۷۶۵۴
استقلال اعضای هیئت مدیره	۰/۰۰۶۱۵۲	۰/۳۴۲۶۹۸	۰/۸۱۲۴
اندازه شرکت	-۰/۰۰۱۵۸۷	۱/۱۲۹۴۵۷	۰/۲۴۶۵
بازده دارایی ها	۰/۹۷۵۰۲۰	۹۰/۳۶۵۲۱۴	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۱۸۴۷۵	-۲/۰۱۳۵۲۶۲	۰/۰۴۲۵۲
ریسک سیستماتیک	-۰/۰۰۰۲۱۱	۰/۳۴۹۶۰۲	۰/۷۳۹۷
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۰۰۱۲۳۷	۱/۷۸۵۴۶۵	۰/۰۷۵۶
ضریب تعیین	۰/۶۳۳	دوربین واتسون	۱/۸۳۲
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۳۹	آماره F فیشر (احتمال)	(۰/۰۰۰)۵۲/۶۰۳

با توجه به جدول ۴ میزان ضریب تعیین مدل برابر با (۰,۶۳۳) می باشد که نشان می دهد ۶۳ درصد تغییرات متغیر پایداری اجتماعی توسط متغیر استقلال اعضای هیئت مدیره و سایر متغیرهای کنترلی قابل توضیح است. نتایج جدول نشان می دهد که بین استقلال اعضای هیئت مدیره و پایداری اجتماعی با ضریب (۰,۰۰۶) و معنی داری (۰,۸۱۲) ارتباط وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش:

جدول ۵- نتایج برآورد فرضیه چهارم

نام متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	-۰/۰۰۳۶۰۷	-۰/۵۰۶۵۳۲	۰/۶۱۸۴
حسابرس	-۰/۰۰۱۶۲۳	-۱/۱۷۵۲۴۶	۰/۲۲۸۲
اندازه شرکت	۰/۰۰۲۱۵۴	۱/۷۱۰۲۸۱	۰/۰۸۶۹
بازده دارایی ها	۰/۹۷۸۵۴۱	۱۰۸/۱۲۱۰	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۱۷۶۵۴	-۳/۵۳۶۵۲۸	۰/۰۰۰۴
ریسک سیستماتیک	۰/۰۰۰۱۶۵	۰/۲۲۸۱۴۳	۰/۸۲۷۷
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۰۰۱۴۰۳	۱/۷۱۶۱۳۷	۰/۰۸۵۹
ضریب تعیین	۰/۳۲۵	دوربین واتسون	۱/۶۲۱
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۸۹	آماره F فیشر (احتمال)	(۰/۰۰۰)۴/۰۶۲

با توجه به جدول ۵ میزان ضریب تعیین مدل برابر با (۰,۳۲۵) می باشد که نشان می دهد ۳۲ درصد تغییرات متغیر پایداری اجتماعی توسط متغیر مرجع حسابرسی و سایر متغیرهای کنترلی قابل توضیح است. نتایج جدول نشان می دهد که بین حسابرس و پایداری اجتماعی با ضریب (۰,۰۰۱-) و معنی داری (۰,۲۲۸) ارتباط معنی داری وجود ندارد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به بررسی ارتباط بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و پایداری اجتماعی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. برای انجام این پژوهش تعداد ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۶ ساله ۱۳۹۵-۱۴۰۱ بررسی شده است. همچنین برای آزمون فرضیه ها در دوره ۶ ساله پژوهش از مدل رگرسیونی چند متغیره با توجه به نتایج آزمون چاو استفاده شده است. در این پژوهش تجزیه تحلیل جامعی روی رابطه بین مکانیزم های حاکمیت شرکتی و پایداری اجتماعی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام گرفت. بر این اساس، انتظار می رفت رابطه ای مثبت بین مکانیزم های حاکمیت شرکتی با پایداری اجتماعی حاصل شود. اما با توجه به آزمون های انجام شده نشان داد بین مکانیزم های حاکمیت شرکتی و پایداری اجتماعی ارتباط معنی داری وجود ندارد؛ پس می توان گفت این امر بیانگر این واقعیت است که در شرکتهای ایرانی به علت نداشتن اطلاعات کافی در مورد راهبری شرکتی و یا عدم وجود تخصص های لازم نمی توانند از کارکردهای مکانیزم حاکمیت شرکتی بهره کافی داشته باشند و یا این احتمال دارد که به علت نداشتن انگیزه لازم و کافی برای تلاش به منظور بهبود ساختار شرکت و دخالت در کارهای شرکت چنین نتیجه ای در شرکت های ایرانی حاصل شده باشد، همچنین این احتمال نیز وجود دارد که ما باید در اندازه گیری مکانیزم های حاکمیت شرکتی روش دیگری برگزینیم. حاکمیت شرکتی مناسب برای شرکت ها امتیازات مهمی را فراهم می کند. از دیدگاه شرکت ها حاکمیت شرکتی با کیفیت بالا به معنای هزینه پایین برای سرمایه، افزایش نقدینگی و تامین مالی و افزایش تامین اعتبار از بازارهای سرمایه اعتباری و مقابله با بحران ها می باشد. لذا در سطح کل شرکت به مدیران مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می شود که میزان حاکمیت شرکتی خود را افزایش دهند. و به محققان پیشنهاد می شود در پژوهشهای آتی از سایر مکانیزم های حاکمیت شرکتی در ارتباط با پایداری اجتماعی و توسعه سبز در تحقیقات خود استفاده کنند.

منابع:

- بادآور نهندی، یونس؛ احمدلو، حمزه (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین مکانیزم های حاکمیت شرکتی و اعتبار سودهای گزارش شده
- پور محمد، ساناز و محمودی، آزاده، ۱۳۹۵، پایداری اجتماعی، سومین کنگره بین المللی پایداری در معماری و شهرسازی - دبی و مصدر
- جلیلی، سودابه و مهاجری علیرضا (۱۴۰۱)، تاثیر سازو کار حاکمیت شرکتی خوب و مسئولیت اجتماعی شرکت بر عملکرد مالی و همچنین از طریق مدیریت سود به عنوان یک متغیر واسطه، فصلنامه پژوهش های معاصر در علوم مدیریت و حسابداری سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱
- جمعه پور، محمود. (۱۳۹۲)، برنامه ریزی محیطی و پایداری شهری و منطقه ای. تهران: سمت.
- حیدری کرد زنگنه، غلامرضا، نوروش، ایرج، جعفری، محمدحسن (۱۳۹۶) " مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله اقتصادی، شماره های ۳ و ۴، صص ۷۸ - ۵۳ رضائی پشته نوئی، یاسر؛ صفری گرایلی، مهدی و نوروزی، محمد (۱۳۹۷). بررسی موارد خاص در حسابداری. انتشارات ترمه، ۱۳۹۷.
- شیخی، محمد؛ جمعه پور، محمود و سجادی، افشین (۱۳۹۷). سنجش رابطه میان رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی، دانش شهرسازی، دوره ۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷.
- زال، ابودر (۱۳۸۶) ارزیابی و سنجش پایداری اجتماعی و نقش عوامل جغرافیایی موثر بر آن در مناطق روستایی شهرستان خرم بید، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- علینژاد سارو کلائی، مهدی و صفیه سالاری ساردویی، (۱۳۹۸) "تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی در به هنگام بودن اطلاعات سود"، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت دارایی و تأمین مالی، سال ۷، شماره ۳، شماره پیاپی (۲۶)، صص ۵۹ - ۷۰.
- کلاتری، خلیل و عبدالله زاده، غلامحسین، (۱۳۹۱) برنامه ریزی فضایی و آمایش سرزمین. تهران: فرهنگ صبا.
- کریمی، فرزاد؛ اشرفی، مهدی (۱۳۹۰). بررسی ارتباط ساز و کارهای نظام راهبری شرکت و ساختار سرمایه در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های حسابداری مالی ۲، صص ۹۲ - ۷۹.
- محمودی، امین و سمیه نجفی (۱۳۹۷) "تأثیر عمر شرکت بر رابطه میان حاکمیت شرکتی و تصمیمات ساختار سرمایه"، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره ۴، شماره ۲، صص ۲۰۴ - ۲۲۲.
- محمودی، امید؛ گیوکی، ابراهیم؛ کبیری، محمدتقی و مسلمی آذر (۱۴۰۰). بررسی تأثیرپذیری مکانیزمهای نظام راهبری شرکتی و مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت از اختلالات رفتاری مدیرعامل، پژوهشهای حسابداری مالی سال سیزدهم، شماره سوم، پیاپی (۴۹)، پاییز ۱۴۰۰
- نسترن، مهین؛ قاسمی، وحید و هادیزاده زرگر، صادق (۱۳۹۲). ارزیابی شاخصهای پایداری اجتماعی با استفاد از فرایند تحلیل شبکه. سال بیست و چهارم، شماره پیاپی (۵۱)، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۲.

Agrrlll Aaaaaa)))))))) gvvrrcccc cctttt tgg

ccaaaa"Jrrr ll fffllEEEEEEEEEEs::: 111-405

- Eizenberg, E., & Jabareen, Y. (2017). Social sustainability: A new conceptual framework. *Sustainability*, 9(1), 68.
- Jenkins, B., Annandale, D., & Morrison-Saunders, A. (2003). The evolution of a sustainability assessment strategy for Western Australia. *Environmental and Planning Law Journal*, 20(1), 56-65.
- Lin, Q., Zhou (Jon) Lu (2007). "corporate governance and earnings management in the chinese listed companies: A tunneling perspective". *Journal of corporate Finance*. 13, pp.881-906.
- Mangantar, M (2019), The Influence of Corporate Social Responsibility and Corporate Governance on Banking Financial Performance, *European Research Studies Journal*
- Malik, M., Wan, D., Ahmad, M. I., Naseem, M. A., & Rehman, R. U. (2014), "Role of board Size in Corporate Governance and Firm Performance Applying Pareto Approach, Is It Cultural Phenomena?", *Journal of Applied Business Research (JABR)*, 30(5), PP. 1395-1406.
- Maclaren, V. (1996). Urban sustainability reporting. *Journal of American Planning Association*, 62(2): 183-184.
- Ramasay, A, oei, R, and P. Mather (2005). " Earnings quality and its relationship with aspects of corporate governance an investor perspective". *Accounting & financial association of Australia and newzeland*.
- Weingaertner, C., & Moberg, Å. (2014). Exploring social sustainability: Learning from perspectives on urban development and companies and products. *Sustainable Development*, 22(2), 122-133.
- Wheeler, S. M. (2013). *Planning for sustainability: creating livable, equitable and ecological communities*. London: Routledge.